

بررسی سرکشی وزیران و موبدان در شاهنامه با استفاده از داده‌کاوی

دکتر رضا اشرف زاده،^۱

لیلا قربانی قره تپه،^۲

چکیده

یکی از ویژگی‌های مشترک بسیاری از شخصیت‌های شاهنامه «سرکشی و نافرمانی» است. دلایل و انگیزه‌های این سرکشی‌ها و نیز فرجام کار سرکشان با یکدیگر تفاوت دارد. در این میان نافرمانی وزیران و موبدان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چرا که این دو گروه همواره به عنوان عناصر «قدرتمند و قدرت آفرین» جامعه نقش تعیین‌کننده‌ای در امور کشور داشته‌اند. همچنین با توجه به اعتقاد تاریخی ایرانیان باستان مبنی بر «فرضه‌بودن اطاعت» و «اهریمنی‌بودن نافرمانی» از شاه، این سرکشی‌ها در برابر شاه قابل تأمل می‌نماید. در این مقاله با استفاده از روش داده‌کاوی و استفاده از نرم‌افزار وکا به بررسی آماری جامعه وزیران و موبدان و تحلیل نتایج حاصل از آن پرداخته‌ایم. براین اساس دریافتیم که سرکشی در میان موبدان بیشتر از وزیران وجود داشته و نیز موبدان متمرّد خوش‌فرجام‌تر از وزیران نافرمان بوده‌اند. در مقابل اختلاف آماری اندکی میان «وزیران مطیع خوش‌فرجام» و «وزیران مطیع بدفرجام» وجود دارد. و این حاکی از قدرت بالای پیشوایان مذهبی و همچنین نوعی وزیرستیزی در میان شاهان ایران باستان است.

کلیدواژه‌ها: شاهنامه، سرکشی، وزیران، موبدان، داده‌کاوی، نرم‌افزار وکا، تحلیل جامعه آماری.

۱. استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد edu@mshdiau.ac.ir

۲. دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد؛ این مقاله مستخرج از رساله دکتری اینجانب است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد در حال انجام است. ghorbani6496@gmail.com

سرکشی و نافرمانی، یکی از بن‌مایه‌های اصلی داستانهای شاهنامه است. اصولاً با همین سرکشی‌هاست که شاهنامه آغاز می‌شود؛ سرکشی جمشید در برابر خداوند و ادعای خدایی، سرکشی ضحاک و کشتن پدر و برکناری جمشید و سرانجام سرکشی کاوه علیه ضحاک و شورش مردم، آغازگر ماجراهایی است که تا انتها بر همین اساس پیش می‌رود. به دلیل سرکشی پسران فریدون، ایرج کشته می‌شود؛ توس پسر نودر، با نادیده گرفتن فرمان کی خسرو، باعث مرگ فرود، برادر کی خسرو می‌شود؛ نافرمانی رستم در برابر کی کاووس، سبب کینه پادشاه از رستم می‌شود و در ماجرای سهراب با مضایقه نوشدارو باعث مرگ ناهنگام سهراب جوان می‌گردد. به همین ترتیب بهرام چوبینه با سرکشی و قیام در مقابل هرمز و خسرو پرویز «حکومت چهارصد ساله ساسانیان را به لرزه می‌افکند. «اسلامی ندوشن، ۱۳۹۴: ۳۲۸» و نافرمانی مزدک در مقابل قباد باعث می‌شود مردم برای احقاق حقوق خویش به پاخیزند و از جنبش مزدکی حمایت کنند. (ر.ک. میزانی، ۱۳۹۳: ۱۸۴) گویا اکثر شخصیت‌های شاهنامه برای این شکل گرفته‌اند که حضور خود را با نافرمانی ظاهر کنند و عاقبت در این راه از داستان خارج شوند.

در شاهنامه تمرد و نافرمانی در تمامی اقشار جامعه به چشم می‌خورد. از شاهان و شاهزادگان گرفته تا یلان و پهلوانان و از ارتشتاران و سپاهیان گرفته تا صنعتگران و کشاورزان. از این رو انگیزه‌های سرکشی و فرجام آن با یکدیگر متفاوت است. به عنوان مثال سرکشی جمشید در مقابل خدا به دلیل کبر و غروری بود که در اثر رسیدن به قدرت و شوکت دچار شد در صورتی که عامل اصلی قیام کاوه داد خواهی از ضحاک بود؛ چرا که ضحاک هفده پسرش را کشته و قصد داشت آخرین فرزندش را نیز طعمه ماران سازد. نافرمانی‌های رستم از شاهان زمان خود نیز ریشه در آزادی و دفاع از آزادی خود دارد. بر این اساس، در شاهنامه با دو وجه مثبت و منفی سرکشی مواجه هستیم که یا در جهت نیکی و دفاع از حق و حقیقت صورت گرفته و یا با نیت پلید و مقاصد شوم و اهریمنی رخ داده است. بسیاری از این سرکشی‌ها، مسیر تاریخ را دگرگون می‌کند؛ مانند خیزش کاوه و فریدون در برابر ضحاک و تعداد زیادی از سرکشان جان خود را بر سر این نافرمانی و تمرد از دست می‌دهند. همچون بزرگمهر و بهرام چوبینه.

در شاهنامه سرکشی در میان وزیران و موبدان نیز به چشم می‌خورد. این مقامات ممتاز جامعه به عنوان یکی از مهمترین عناصر قدرت، همواره نقش مهم و اساسی در امور کشور به عهده داشته‌اند. وزیران «در واقع نبض تپنده دستگاه حکومتی بوده‌اند و شاهان کار به صوابدید آنها می‌کرده‌اند.» (سرامی: ۱۳۸۸: ۸۲۰) موبدان نیز در شاهنامه نقش تعیین‌کننده‌ای در روند رویدادها دارند. در موارد متعدد، موبدان را در جایگاه دستور پادشاه می‌بینیم و حتی گاه

گاه با آنان درحالی روبرو می‌شویم که در مسند شاهی بر کرسی زرین نشسته و بر ایران فرمان می‌رانند (ر.ک. همان: ۸۲۹ و ۸۳۰). اهمیت این سرکشی‌ها آن گاه مشخص می‌شود که بدانیم در ایران باستان شاه «مظهر قدرت خداوند و مهر و قهر او و نماینده اراده ملت به شمار می‌رفت. مردم او را خدایگان و سایه خدا می‌خواندند و او خود را حاکم مطلق و مالک‌الرقاب مردم می‌دانست. در این میان تنها محدودیت قدرت پادشاه، به ذات حاکم مطلق که مقامش مافوق بشر بود، بستگی داشت.» (ثروتیان، ۱۳۵۰: ۲۱). «این پندار که پیوندی میان فرمانروا و خداوند وجود دارد، چنان مشروعیتی به قدرت سیاسی می‌بخشید که هرگونه رقابت در زندگی سیاسی، غیرحقانی شمرده می‌شد.» (بشیریه، ۳۱، ۱۳۸۰) و «پیروی بی‌چون و چرا از فرمانروایان، چه از دید سیاسی و چه از دید اعتقادی و دینی، بر مردمان واجب شمرده می‌شد.» (کسرای، ۱۳۸۹: ۱۹۲)

با این وجودگاهی این صاحب‌منصبان، برای منافع خود سرکشی کرده و تا جایی پیش‌رفته‌اند که منجر به عزل یا قتل پادشاه شده‌اند. گاهی نیز نافرمانی آنان به جهت حفظ منافع کشور بوده است و جان خود را در این راه به خطر انداخته‌اند.

۲- سوالات و فرضیه‌های تحقیق

در این مقاله نگارندگان سعی کرده‌اند به این سوالات پاسخ‌دهند که در شاهنامه:

۱- سرکشی در مقابل شاه، میان وزیران بیشتر است یا موبدان؟

۲- آیا انگیزه‌های سرکشی میان وزیران و موبدان یکسان است؟

۳- فرجام کار وزیران و موبدان تا چه اندازه بستگی به سرکشی آنان در مقابل شاه دارد؟

فرضیه‌های مطرح‌شده در این پژوهش به شرح زیر است:

۱- در شاهنامه موبدانی بوده‌اند که به مقام وزارت و حتی سلطنت هم رسیده باشند اما با وزیرانی که به حکومت رسیده باشند مواجه نمی‌شویم. بنابراین با توجه به اقتدار بیشتر روحانیون نسبت به وزیران، امکان سرکشی آنان بیشتر بوده است.

۲- از آن جایی که موبدان همواره یکی از رقیبان سرسخت پادشاه، بوده‌اند سرکشی آنها بیشتر در جهت گسترش قدرت خود صورت گرفته است. در مقابل، وزیران همواره مشاور پادشاهان بوده‌اند و برای حفظ قدرت پادشاه تلاش می‌کرده‌اند. در واقع چون بقای وزارت در تداوم سلطنت بوده است، به ندرت با انگیزه کسب قدرت دست به سرکشی زده‌اند.

۳- به علت قدرت بیشتر موبدان نسبت به وزیران، در صورت سرپیچی از دستور شاه، دچار مجازات کمتری می‌شده‌اند. اما در مورد وزیران سرکش، حداکثر مجازات یعنی مرگ در انتظارشان بوده است.

۳- پیشینه تحقیق

آنچه که تاکنون درباره سرکشی وزیران و موبدان صورت گرفته، نه به صورت مستقل بلکه به صورت فرعی در کنار پژوهش‌های دیگر است. اغلب نگارندگان به بسیاری از جنبه‌های سرکشی وزیران و موبدان توجهی نکرده‌اند. بخصوص در این باره شناسایی آماری مناسبی صورت نگرفته است. علی رضاقلی، در کتاب «جامعه‌شناسی خودکامگی» به سرکشی کاوه علیه ضحاک پرداخته کرده است. اما محور اصلی کتاب تحلیل جامعه‌شناختی استبداد می‌باشد. در مقاله «خویش‌کاری موبدان در شاهنامه» از زهرا دلپذیر، نویسنده، موبدان را معرفی و نقش و وظایف آنها را مطابق ابیات شاهنامه بررسی کرده، اما اشاره‌ای به نافرمانی موبدان نکرده است. به طور کلی، در این رابطه تحقیق کامل و جامعی که بتوان به آن استناد کرد، انجام نشده است و همین امر، پژوهش در این زمینه را ضروری و البته دشوار می‌سازد.

۴- روش اجرای تحقیق

روشی که در این پژوهش صورت گرفته است، تحلیل‌های ساختاری و آماری داستان‌هایی است که در آنها وزیران و موبدان در برابر شاه سرکشی کرده‌اند. پیشینه زندگی شخصیت‌ها، دلایل و انگیزه‌های سرکشی و فرجام مهمترین سرکشان، مباحثی است که در این تحلیل بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. براین اساس روش گردآوری مطالب، به صورت فیش‌برداری و مطالعه کتابخانه‌ای است. تحلیل آماری و تجزیه و تحلیل نتایج حاصل آن به کمک تکنیک‌های داده‌کاوی صورت گرفته است، بدین منظور از نرم‌افزار وکا (Weka) استفاده کرده‌ایم. این روش تحلیل تجزیه و آماری برای اولین بار است که در ادبیات فارسی مورد استفاده قرار گرفته و تاکنون تجزیه تحلیل آماری با استفاده از نرم افزار وکا صورت نگرفته است. به این ترتیب روش نوینی محسوب شده و می‌تواند نمودی از استفاده کاربردی رایانه در علوم انسانی باشد.

۵- بحث و تحلیل

برای روشن شدن دقیق معنی و مفهوم سرکشی و مشخص شدن ویژگی‌های سرکشان در شاهنامه ابتدا معنی آن را در فرهنگ لغت و سپس در شاهنامه بررسی کرده و آن‌گاه به معرفی وزیران و موبدان و سرکشی آنان می‌پردازیم.

۵-۱- سرکشی در بررسی واژگانی

معنی سرکشی در فرهنگهای لغت بدین شرح است: عصیان، طغیان، نافرمانی، رشد، درازی قامت، سرتافتن، کژرفتاری، قوت و قدرت داشتن، دلاوری، گردنکشی. (ر.ک. دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه سرکشی)، نافرمانی، بازرسی و رسیدگی (ر.ک. معین، ۱۳۸۵: ذیل واژه سرکش) گردنکشی، نافرمانی، یاغی‌گری (ر.ک. عمید، ۱۳۹۴: ذیل واژه سرکشی) مترادفات سرکش نیز معادل است با: «۱. بغی، تمرد، توسنی، سرپیچی، طغیان، عصیان، گردنکشی، مخالفت، نافرمانی، یاغی‌گری ۲. بازدید، بازرسی، ملاقات، دیدار، انقیاد» (خداپرستی، ۱۳۷۶، ذیل واژه سرکشی).

با توجه به معانی مختلف سرکشی، می‌توان در تعریفی گسترده‌تر سرکشی را نوعی هنجارشکنی و قیام علیه وضع موجود دانست که به هر دلیلی و از سوی هرکسی می‌تواند اتفاق بیفتد.

۵-۲- سرکشی در شاهنامه

واژه «سرکشی» و «سرکش» در مفهوم نافرمانی و مخالفت، جز در معدودی از ابیات شاهنامه به چشم نمی‌خورد.

زمین سربسر گفستی از آتش است هوا دام آهرمن سرکش است (فردوسی، ۱۳۸۹: ۴۶۳/۲)

چرا سرکشی تو به فرمان دیو نبینی همی فر گیهان خدیو (فردوسی، ۱۳۸۹: ۴۷۵/۲)

فردوسی این واژه را بیشتر در معنای مجازی آن یعنی «پهلوانان» و «قدرتمندان» به کار برده است.

یکی سرکشی بود نامش گرزم گوی نامجوی آزموده به رزم (فردوسی: ۱۳۸۹/۵/۱۵۶)

بر او سرکشان آفرین خواندند سوی شاه با او همی راندند (فردوسی: ۱۳۸۹/۲/۸۱)

با این وجود عمل سرکشی و نافرمانی به طور گسترده و در بسیاری از شخصیت‌های شاهنامه به چشم می‌خورد. آنچه در این تحقیق مورد نظر است بررسی و تحلیل آماری سرکشی و سرپیچی وزیران و موبدان شاهنامه از فرمان شاه، با استفاده از روشهای نوین یعنی روش رایانه‌ای می‌باشد. در این روش اطلاعات مورد نظر را به رایانه می‌دهیم و نتایج را به صورت گروههای مشابه (خوشه) در سرکشی و اطاعت، دریافت کرده و سپس به تجزیه و تحلیل نتایج حاصله می‌پردازیم. مزیت این روش در مقایسه با روش سنتی استخراج اطلاعات، دقت و سرعت بیشتر و هم‌پوشانی بهتر با جامعه آماری واقعی، می‌باشد.

برای بررسی سرکشی میان این دو گروه ابتدا این گروه و کارکردهایشان را در شاهنامه معرفی نموده، سپس به نقد و واکاوی مشهورترین وزیران و موبدان سرکش در شاهنامه می‌پردازیم و سرانجام با استفاده از روش داده‌کاوی این سرکشی‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

۵-۲-۱- وزیران

وزیران از مهمترین شخصیت‌های داستان‌های شاهنامه هستند که جایگاه ویژه آنها در کنار پادشاهان و نقش حساس مشاوره و راهنمایی شاه، اهمیت و اعتبار آنان را دو چندان کرده است. فردوسی نیز اغلب از آنها به نکویی یاد کرده و وجود آنان را برای مملکت‌داری پادشاهان لازم دانسته است. برای شناخت بیشتر این افراد در شاهنامه ابتدا معنی لغوی آن را بررسی کرده و سپس به دیگر کارکردهای آنان می‌پردازیم.

۵-۲-۱-۱- واژه شناسی وزیر

در لغت‌نامه دهخدا درباره وزیر آمده است:

معاون، هم‌پشت و مددکار؛ دستور، همنشین خاص پادشاه که مشیر تدبیر و ظهیر سریر باشد و وزیر تحمل بارگران مملکت نماید. پاره‌ای لغویین گویند از وزیر به معنی حمل و بار است، چه سنگینی بار ملک به دوش وزیر است... آنکه در برداشتن بار کسی شریک باشد. ظاهراً چون وزیر در مقدمه برداشتن بار سلطنت و ریاست با سلطان متفق می‌باشد لهذا به این لقب ملقب شده. این کلمه معرب است از «وی چیر» یا «وجیر» پهلوی و از اوستایی «وی چیره» به معنی فتوی دهنده... (ر.ک. دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه وزیر)

بنابراین وزیر در معنای عام آن مشاور و معاون پادشاه است که در اداره امور مملکت شاه را یاری می‌کند و در معنای خاص آن «زمانی است که وزارت قوانینی پیدا می‌کند و قانون‌مند می‌شود و وزیر با دریافت حقوق، مزایا و وظایف مشخص، دارای تشکیلات معین و منسجمی می‌گردد... که چنین کارکردی خاص... از دوران بنی‌عباس آغاز می‌گردد.» (منظری مقدم، ۱۳۷۳: ۳۷)

۵-۲-۱-۲- وزیران در ایران باستان

یکی از مناصب آشنا در فرهنگ سیاسی ایران که در منابع تاریخی از آن فراوان یاد شده، وزیر است. وزیر نخستین پدیده‌ای است که هسته نظام دولتی از آن برآمده و در نخستین سده‌های میلادی از سوی شاه شاهان در امپراتوری ساسانی واقعیت یافته است. (ر.ک. کاوندی کاتب، ۱۳۹۲: ۳۱). شاهان ایرانی اعتقاد داشتند «وزیر کسی است که کارهای ما را سامان می‌دهد. زبان ماست که با آن سخن می‌گوییم و جنگ افزار ما است که برای فرود آوردن بر دشمن ما، در سرزمین‌های دوردست آماده‌اش نگاه می‌داریم.» (کلمان، ۱۳۶۳: ۱۴۳) وزیر در اصل «رابط بین پادشاه و مقامات دولتی بود» (میراحمدی، ۱۳۹۰: ۶۴۲) رئیس تشکیلات مرکزی وزیر بزرگ بود که در آغاز «هزار بد» لقب

داشت. وظیفه اصلی او اداره کشور تحت نظارت پادشاه بود. اما اکثر مواقع شخصاً تصمیم می‌گرفت و هنگامی که پادشاه در جنگ یا سفر بود، نایب‌السلطنه محسوب می‌شد. مذاکرات سیاسی تکلیف او بود و در مواقع ضروری فرماندهی سپاه هم به عهده او بود و چون مشاور خاص شاهنشاه بود در همه شئون کشور حق مداخله داشت. براین اساس وزیر دارای خرد کامل و رفتار بی‌نقص و جامع خصال پسندیده می‌بود و دارای تدبیر وافر و صاحب احتیاط تا در مواقعی که سروکارش با پادشاهی عیاش و نکوهیده خصال می‌افتاد بتواند او را راهنمایی کند. (ر.ک. کریستین سن، ۱۳۸۸: ۱۳۹-۱۳۷)

بنابراین رفعت و منزلت جایگاه وزارت که باعث قدرت‌آفرینی می‌شده است همواره با خطرات و تهدیدات فراوانی روبرو بوده است و «از همه بدتر این که وزیر امنیتی نداشت و سلطان می‌توانست بی‌هیچ دلیل خاصی - حتی به جهت یک تردید شخصی - وزیر را مطرود و معزول سازد.» (منتظری مقدم، ۱۳۸۷: ۵۱) وزیر در سه مورد محدودیت داشت. یکی آن که حق تعیین جانشین برای خود نداشت؛ دیگر آن که چنانچه شخص شاه او را عزل یا نصب می‌کرد، باید اطاعت می‌کرد و سرانجام آن که شخص برگزیده شاه را نمی‌توانست بدون اجازه شاه، برکنار کرده و کسی را جایگزین نماید. (ر.ک. غفاری، ۱۳۸۹: ۱۰۸) و این همه، بدان دلیل بود که فرهنگ سیاسی ایران «سخت‌استبدادی بود و در طول تاریخ استبدادی جهان، منحصر به فرد به‌شمار می‌رفت. استبدادی مطلق، متراکم، افسارگریخته و بی‌رحم. این استبداد ویرانگر که با طرح مسأله فره ایزدی و ظل‌اللهی از پشتوانه مذهبی هم برخوردار بود بر شدت قساوت و خشونت صاحبان آن می‌افزود. (ر.ک. سیف، ۱۳۷۹: ۱۷) بدیهی است در چنین فضایی در صورت عدم اطاعت، چه فرجامی انتظار افراد را می‌کشید. بدین جهت کسانی که عهده‌دار این منصب می‌شدند در واقع افرادی بودند که با جان خود بازی می‌کردند و تنها با داشتن لیاقت و درایت فراوان می‌توانستند از انجام این مسئولیت خطیر برآیند و در صورت کوچکترین سهل‌انگاری؛ نه تنها جان خود که خانواده و خویشان‌شان را هم به خطر می‌انداختند.

۵-۲-۱-۳- وزیران در شاهنامه

برپایه شاهنامه، وزیر تنها یک عنوان سیاسی است که دارنده آن نقش اصلی را در برنامه‌های سیاسی و اجرایی کشور دارد. عنوان و منصب وزارت نشانه تحول اداری در دوران ساسانی است که برای پیشبرد کارها پدید آمده و در شاهنامه بازتاب یافته است. در متون گوناگون پهلوی و عربی به نام «وَزْرُگَ فَرَمَدَار» ایران و انیران، یعنی وزیر بزرگ ایران و سرزمینهای غیرایرانی برمی‌خوریم (ر.ک. خالقی مطلق، ۱۳۸۸: ۱۹۵ و ۱۹۶)

در شاهنامه بیشتر، واژه "دستور" به جای وزیر و یا حداقل به مفهوم وزیر به کار رفته است. دستوران در واقع یکی

«از شعب طبقه روحانی بوده‌اند و این صنف اخیر را "مغان اندرز بد" می‌گفته‌اند.» (کریستین سن، ۱۳۸۸: ۱۲۳) اما نقش‌هایی که دستوران در شاهنامه ایفا می‌کنند منطبق بر معنا و مفهوم وزارت می‌باشد.

به عنوان شاهد می‌توان به یکی از معروف‌ترین دستوران شاهنامه یعنی جاماسب، وزیر گشتاسب اشاره کرد که در اصل بزرگترین روحانی روزگار خود بوده است. «جاماسب پس از زرتشت موبدان موبد خوانده می‌شود. جاماسب در ادبیات زرتشتی به خرد و دانایی و هنر معروف است» (گویری، ۱۳۷۹: ۶۰)

از ابیات شاهنامه چنین به نظر می‌رسد واژه "وزیر" تقریباً از دوران تاریخی شاهنامه مورد استفاده قرار گرفته است.

به نزدیک اسکندر آمد وزیر که ای شاه پیروز و دانش پذیر (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۰۹۷)

همی تاختند از پی اردشیر به پیش اندرون اردوان و وزیر (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۱۱۹)

در بسیاری از داستانهای شاهنامه شاهد رایزنی شاه با وزیران کاردان و جهان دیده خود هستیم. انوشیروان علاوه بر بزرگمهر دارای سه وزیر دیگر بود که فردوسی آن‌ها را چنین معرفی کرده است:

سه مرد از دبیرانِ نوشین روان یکی پیر و دانا و دیگر جوان

چو ایزد گشسب و دگر برزمهر دبیر خردمند و با فر و چهر

سه دیگر که ماه آذرش بود نام خردمند و روشن دل و شاد کام

بر تخت نوشین روان این سه پیر چو دستور بودند و همچون وزیر (فردوسی ۱۳۸۷: ۱۱۱۱)

در شاهنامه، وزیران به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند. گروهی نماد خرد و خردمندی‌اند؛ مانند بزرگمهر، وزیر معروف انوشیروان و گروهی نماد خردستیزی و نابخردی هستند؛ مانند گرسیوز وزیر افراسیاب. وزیرانی هم هستند که دچار نوعی تزلزل و لغزش‌اند که معمولاً به دلیل استبداد و بی‌خردی شاه و اطاعت کورکورانه از او صورت می‌گیرد. مانند خطاهای جاماسب، وزیر گشتاسب در ماجرای اسفندیار. اما در مجموع «فردوسی اغلب آنان را می‌ستاید و وجودشان را برای برقراری داد لازم می‌داند» (موسوی و خسروی، ۱۳۸۹: ۱۱۹)

۵-۲-۱-۴- سرکشی وزیران در شاهنامه

در شاهنامه معمولاً وزیرانی که در کنار شاهان و شاهزادگان حضور دارند مشاور، رایزن و خیرخواه پادشاه هستند؛ اما در موارد معدودی هم با سرکشی وزیران در مقابل شاه مواجه می‌شویم. در واقع می‌توان گفت در شاهنامه وزیرستیزی شاهان نمود بیشتری پیدا کرده است تا شاهستیزی وزیران و دستوران. این امر نه تنها در شاهنامه که در آثار کهن قبل از شاهنامه هم به چشم می‌خورد. مثلاً در متون کهن آمده است کیکاووس، وزیر خردمندش «اوشنر» را به

فرمان دیوان به قتل رساند تا بتواند به آسمان سفر کند. (ر.ک همان: ۱۳۶ و ۱۳۷)

سرکشی وزیران در شاهنامه نسبت به دیگر سرکشان بسیار محدود است. حتی وزیران دژ خرد کمتر در مقابل شاه سرپیچی می‌کنند و یا حداقل به صورت آشکار نافرمانی خود را آشکار نمی‌سازند. بلکه با توجه به نفوذی که بر پادشاه دارند بیشتر سعی در اغفال کردن شاه و عملی کردن رای و نظر خود هستند. مثلاً در ماجرای سیاوش گرسیوز برادر اسفندیار - که گاهی در نقش وزیر و مشاور شاه هم ظاهر می‌شود - با نیرنگ و دروغ باعث بدبینی افراسیاب به سیاوش و نهایتاً مرگ سیاوش می‌گردد.

۵-۲-۲- موبدان

در شاهنامه «دین برای گسترش حیاتش به پشتیبانی حکومت نیازمند است و حکومت نیز برای ایجاد تاثیر بیشتر در دلها و تحکیم امور به دین نیازمند است» (جوینی، ۱۳۸۰: ۵۰) بنابراین شاهان و موبدان مجبور به تعامل و همکاری مستمر با یکدیگر هستند. برای شناخت بیشتر موبدان نیز ابتدا به بررسی واژگانی آن می‌پردازیم و سپس سایر کارکردهای آنان را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۵-۲-۲-۱- واژه شناسی موبد

در لغت‌نامهٔ دهخدا آمده است: «موبد» صاحب دیر آتش‌پرستان، پیشوای دین یزدان‌پرستان، رئیس دینی زرتشتیان، رئیس روحانی زرتشتی، حکیم، مشاور در امور سلطنت، دانا، ستاره‌شناس، مورخ، تاریخ نگار از طبقه روحانی، دستور، وزیر (ر.ک. دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژهٔ موبد) پورداوود معتقد است: واژهٔ موبد در اوستا به صورت مغو (moghu) در فارسی باستان، مگو (mogu) و در فارسی‌میانه (پهلوی)، مغوپت (magupat) آمده و به مرور زمان تبدیل به موبد شده است. (پورداوود، ۱۳۸۰: ۲۱/۲)

۵-۲-۲-۲- موبدان در ایران باستان

«موبد نام عمومی روحانیان زرتشتی است. این عنوان ظاهراً در قرن سوم میلادی مرسوم شد. از قرن چهارم (م) مقام موبد اهمیت بیشتری یافت. شاید این افزایش قدرت با نیروی فزایندهٔ سازمان روحانیت مزدایی و سلسله مراتب آن ارتباط داشته است. ظاهراً موبدان زیادی در امور حکومتی کشور و ایالات، در مقام‌ها و موقعیت‌های گوناگون به کار اشتغال داشتند. از مهرهایی که از موبد چند شهر در دست است، می‌توان فرض نمود که همه شهرها و نواحی موبدی داشتند» (دریایی، ۱۳۸۲: ۱۳۲ و ۱۳۳). روحانیون زرتشتی سلسله مراتبی داشتند. رئیس معابد بزرگ را مغان مغ می‌خوانده‌اند و طبقهٔ بالاتر مغان طبقهٔ موبدان بود. ایران باستان به مناطق مختلف دینی تقسیم می‌شد و هر ناحیه را

موبدی بود و رییس همه موبدان، موبدان موبد نام داشت (ر.ک. جوادی، ۱۳۸۰: ۳۶۴) «موبدان موبد نه تنها بر همه روحانیون کشور ریاست داشته، بلکه پس از شاهنشاه ساسانی مهمترین و متنفذترین مرد به شمار می‌رفته است و گاهی بر شاهنشاه ساسانی نیز مقدم بوده است.» (قدیانی، ۱۳۸۴: ۱۱۸)

«موبدان در طول تاریخ ایران از مدعیان حکومت بوده‌اند و هر وقت می‌توانستند اعمال نفوذ را به حدی می‌گستراندند که عزل و نصب پادشاهان تا حدی به دست آنان بود و در ضمن موجب اغتشاش نیز می‌شدند. موبدان اگر در وضع مناسبی قرار می‌گرفتند، عامل تعدیل قدرت مطلقه پادشاه می‌شدند. پادشاهان نیز در هر فرصتی که به دست می‌آوردند به تضعیف آنها می‌پرداختند. در این‌گونه مواقع عکس‌العمل موبدان، در نهایت، نتیجه شومی برای پادشاه داشت.» (رضاقلی، ۱۳۹۲: ۴۶ و ۴۷) در دوران ساسانیان قدرت موبدان به اوج خود رسید؛ به طوری که در همه امور افراد حق مداخله داشتند. مردم نیز آنان را مقدس شمرده و احترام می‌کردند. عمده اقتدار آنان، به علت املاک و ثروت هنگفتی بود که از راه صدقات و جرائم دینی به دست می‌آوردند. این طبقه در کار خویش کاملاً استقلال داشتند و در واقع دولتی در دولت تشکیل داده بودند. (ر.ک. بیات، ۱۳۶۸: ۲۱۱ و ۲۱۲)

۵-۲-۳- موبدان در شاهنامه

موبدان در شاهنامه اولین طبقه از طبقات چهارگانه آدمیان هستند که توسط جمشید به وجود آمد. جمشید مردم را به چهارگروه تقسیم کرد. اولین گروه را که کارشان پارسایی و پرستش خدا بود و در کوهساران بودند، عنوان روحانی داد و نگهبان آتش کرد.

گروهی که آتورنیان خوانیش	به رسم پرستندگان دانیش
جدا کردشان از میان گروه	پرستنده را جایگه کرد کوه

بدان تا پرستش بود کارشان نوان، پیش روشن جهاندارشان (فردوسی، ۱۳۸۷: ۲۰)

در شاهنامه، موبد در درجه نخست مفهوم دینی و سپس مفهوم سیاسی دارد. موبدان در کنار جایگاه دینی در کشور و در آیین زرتشت، از جایگاه سیاسی برخوردار بودند و در تصمیمات مهم کشوری و گاه حتی در تعیین شاهنشاه و نیز شاهان در سرزمینهای زیر فرمان ایران، مستقیم دست داشتند. در کنار هر یک از فرمانداران، موبدانی نیز حضور داشتند. (ر.ک. دریایی، ۱۳۸۳، ۱۸)

واژه موبد در شاهنامه بسیار آمده ولی تنها سیزده بار از موبدان موبد یاد شده است که اشاره به برترین موبد کشور دارد. فردوسی واژه موبد را در معنایی گسترده به کار گرفته است. موبد در شاهنامه، گاه روایتگر داستانها است، گاه رایزن

شاه است و گاه نقش دینی بازی می کند. موبدان، همراهان همیشگی شاهنشاه در گرفتن تصمیمات کشوری هستند که در نبردها نیز حضور دارند. گاه در آیین‌های رسمی، مراسم دینی، به هنگام سخنرانی شاه، گرفتن تصمیمات مهم دینی و سیاسی، همه موبدان از سراسر کشور فرا خوانده می‌شوند. ارجمندی موبدان در شاهنامه، نشان از نفوذ گسترده آنان در حوزه‌های دینی، سیاسی و اجتماعی در روزگار ساسانیان دارد. (کاوندی کاتب، ۱۳۹۲: ۳۲)

خویش کاری‌های موبدان در شاهنامه، بیانگر همکاری مستمر موبدان با شاهان است که خود نمود یگانگی دین و دولت است. حتی گهگاه موبدان عملاً پادشاهی می‌کنند. چنان‌که در روزگار گشتاب می‌بینیم، ترویج دین از وظایف شاهان است. ساختن آتشکده‌های گوناگون از سوی شاهان نیز نشانه دیگری بر یگانگی دین و دولت می‌باشد. (ر.ک.سرامی، ۶۷۵:۱۳۸۸)

۵-۲-۴- سرکشی موبدان در شاهنامه.

در شاهنامه از چندین موبد از جمله شهرسب، شهرو، رادوی، روزیه و... سخن به میان آمده است. از سرکشی موبدان در مقابل شاه، در دو مورد به طور وضوح و با تفصیل بیشتری به این نافرمانی پرداخته شده است. این سرکشی درباره ممتازترین موبد شاهنامه است که در واقع با نافرمانی خود وفاداری خود را به شاه و مملکت نشان می‌دهد و دیگری سرکشی موبدان دربار خسرو پرویز است که به خاطر حفظ منافع خود صورت گرفته است.

۵-۳- مشهورترین سرکشی‌های وزیران و موبدان در شاهنامه

در این قسمت به بررسی چهار مورد از بزرگترین سرکشی‌های وزیران و موبدان می‌پردازیم که در شاهنامه با شرح و تفصیل بیشتری از آنها یاد شده است.

۵-۳-۱- سرکشی بزرگمهر : وزیر خردمند انوشیروان

در میان داستان‌های تاریخی گذشته، به شخصیت‌هایی در منصب وزیر و موبد نیز برمی‌خوریم که با زبانی بی‌پروا چنان به اندرز پادشاهان می‌پرداختند که گویی دست از جان شسته‌اند و جز صلاح پادشاه که نتیجه‌اش صلاح کشور است، هدفی ندارند. با بررسی سرگذشت این افراد به وضوح خواهیم دانست که گاهی زبانی تیز و برنده و تلخ، می‌تواند از شمشیر سرداری کاری‌تر و از قدرت پهلوانی قوی‌تر باشد، چنان‌که شکوه پادشاهی را به هیچ بگیرد؛ در داستان انوشیروان و بزرگمهر با چنین موقعیتی روبه‌رو می‌شویم.

روزی کسری انوشیروان همراه بزرگمهر و سپاهیانش برای شکار به دشت رفت. زمانی که سپاهیان در دشت مشغول شکار بودند، کسری درگوشه‌ای به خواب رفت. بر بازوی شاه بازوبندی پر از گوهر بود که از بازوی او باز شد و پرنده‌ای

آن را سوراخ کرد و گوهرها را خورد. شاه چون بیدار شد، گمان کرد که بزرگمهر آن گوهرها را ربوده است، پس به او دشنام داد:

جهاندار چندی زبان رنجه کرد ندید ایچ پاسخ جز از باد سرد
بپژمرد بر جای بوزرجمهر ز شاه و ز کردار گردان سپهر (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۵۶۷)
انوشیروان به کاخ بازگشت و بزرگمهر را زندانی کرد. مدتی بعد کسی را نزد او فرستاد و از حال او پرسید. بزرگمهر پاسخ داد:

که حال من از حال شاه جهان فراوان به است آشکار و نهان (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۵۶۸)
چون نوشین روان پاسخ بزرگمهر را شنید به خشم آمد و دستور داد او را در سیاه چال زندانی کنند. سپس حال او را جویا شد:

چنین داد پاسخ بدو نیک خواه که روز من آسان تر از روز شاه (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۵۶۸)
پادشاه از پاسخ بزرگمهر بیشتر برآشفته و دستور داد تنوری از آهن ساخته و در دیواره آن پیکان تعبیه کرده و بزرگمهر را در آن بیندازند. آن گاه، باردیگر کسی را برای خبرگرفتن از حال بزرگمهر روانه زندان کرد. بزرگمهر این بار بیش از پیش ابراز رضایت کرد.

چنین داد پاسخ به مرد جوان که روزم به از روز نوشین روان (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۵۶۸)
پادشاه از این سخن بسیار به خشم آمد و جلاد و فرد دانایی را به سراغ بزرگمهر فرستاد تا یا برای جوابش دلیل درستی بیاورد یا جلاد او را از پای درآورد. بزرگمهر پاسخ داد: نیک و بد بالاخره به پایان می رسد چه با گنج و تخت باشی چه با رنج و سختی، عاقبت باید از این جهان بروی. دل کندن از سختی؛ راحت است و تاجداران باید بتوانند از این جهان دل بکنند. فرستادگان پاسخ را برای شاه بردند. سرانجام شاه که دوباره به وزیر خردمندش نیاز پیدا می کند دستور می دهد او را به کاخ بازگردانند. در حالی که سرکشی بزرگمهر یعنی عذرخواهی نکردن از شاه به قیمت زندانی شدن و از دست دادن بینایی اش تمام شده بود .

براین نیز بگذشت چندین سپهر پرآژنگ شد روی بزرجمهر
دلش تنگ تر گشت و باریک شد دوچشمش زاندیشه تاریک شد (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۵۷۰)
آری «پادشاهان چون کودک خرد باشند. سخن بر وفق ایشان باید گفت تا از ایشان بهره مند باشند.» (نظامی عروضی

سمرقندی، ۱۳۸۸: ۱۸۹)

در این داستان، فردوسی از همان ابتدا ناحق بودن خشم انوشیروان را برجسته می‌کند. آن‌گاه که از زبان انوشیروان دشنام می‌دهد او را نابخردی تندمزاج معرفی می‌کند که با لقب عادل و دادگر این شاه فاصله زیادی دارد. انوشیروان که به ناحق وزیرش را به زندان انداخته، انتظار عذرخواهی هم دارد. نکته قابل تأمل آن است که بزرگمهر، در یکی از بزم‌های هفتگانه انوشیروان، شیوه اطاعت از شاهان را به دیگران می‌آموزد و زمانی که شاه از او می‌پرسد:

پرستش چگونه است فرمان من نکه داشتن رای و پیمان من (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۴۳۷)
بی درنگ پاسخ می‌دهد:

نباید به فرمان شاهان درنگ نباید که باشد دل شاه تنگ (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۴۳۷)
اما خود، در مقابل شاه سرکشی کرده، زندان را به پوزش از شاه ترجیح می‌دهد و بدین‌گونه به شاه می‌فهماند منظور از اطاعت از شاه - که خود به آن معترف بوده - شاه دادگر است نه هر شاهی.

۵-۳-۲- سرکشی ماهیار و جانوشیار: دستوران خائن دارا

ماهیار و جانوشیار دو تن از ناجوانمردان شاهنامه به شمار می‌روند که با سرکشی و خیانت در مقابل ولی نعمت خود سرنوشت شومی هم برای خود و هم شاه و هم مملکت رقم زدند.

در داستان اسکندر و دارا آمده است که بعد از آن که اسکندر، پادشاه روم به دارا، پادشاه ایران، باج نمی‌دهد میان آن دو جنگ درمی‌گیرد. بعد از جنگی طولانی، سپاه ایران به هزیمت می‌رود و دارا می‌گریزد، اما:

دو دستور بودش گرامی دو مرد که با او بدندی به دشت نبرد

یکی موبدی نام او ماهیار دگر مرد را نام جانوشیار (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۰۹۷)

در راه آن دو ناجوانمرد به هم می‌گویند بخت از این شاه رو برگردانده و دوران سلطنتش به سرآمده است؛ بنابراین بهتر است او را بکشیم تا اسکندر ما را فرمانروا کند. پس آن دو ناسپاس در چپ و راست شاه قرار می‌گیرند و چون شب فرامی‌رسد دشنه‌ای بر پهلوی او زده او را از اسب به زیر می‌افکنند؛ سپس بی‌درنگ نزد اسکندر آمده و گفتند:

بکشیم دشمنت را ناگهان سرآمد براو تاج و تخت مهان (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۱۰۰)

سپس اسکندر را پیش دارا می‌برند. اسکندر سر دارا را به دامن گرفته و بر او زاری بسیار می‌کند آن‌گاه دستور می‌دهد برایش دخمه باشکوهی بسازند. سپس:

دو بدخواه را زنده بر دار کرد سر شاه‌کش مرد بیدار کرد

بکردند بر دارشان سنگسار مبادا کسی کو کشد شهریار (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۱۰۰)

همان‌طور که از داستان پیداست انگیزه سرکشی این دو وزیر که به خیانت می‌انجامد کسب قدرت است. در تاریخ گذشته ایران، پادشاهی همانند شکاری بود که به گفته دقیق، ابزار صید آن نه «باز شکاری است نه شیر» بلکه یکی «تیغ هندی است و دیگری زرکانی.» (ر.ک. رضاقلی، ۱۳۸۲: ۸۱)

اما این سرکشی و خیانت، فرجام خوشی ندارد و شومی نا فرمانی از شاه -طبق باور ایرانیان باستان- گریبان‌گیرشان می‌شود و به دار آویخته می‌شوند. این نوع مجازات درس عبرتی است برای دیگران که بدانند سزای سرکشی و شاه‌کشی چیزی جز مرگ نمی‌تواند باشد.

3-3-5- سرکشی گران‌خوار: موبد فداکار اردشیر بابکان

یکی از میان موبدانی که در شاهنامه از شخصیت ممتازی برخوردار است گران‌خوار، موبد اردشیر بابکان است. او از شریف‌ترین و پاک‌ترین و فداکارترین مردان حماسه است.

اردشیر پس از کشتن اردوان و اسارت پسرانش، دختر وی را به همسری می‌گیرد. دختر اردوان به تحریک برادران خود، که در بند شاه هستند تصمیم می‌گیرد شاه را با جامی زهرآگین به قتل برساند. شاه از ماجرا آگاه می‌شود و به گران‌خوار فرمان کشتن او را می‌دهد. اما موبد درمی‌یابد که همسر شاه نوزادی در بطن خود دارد. بنابراین از بیم این که شاه بدون جانشین ماند از کشتن وی سرمی‌پیچد و او را به سرای خود برده و راه را بر هرگونه احتمال و بدگویی می‌بندد. سالها می‌گذرد و شاه از این که هنوز صاحب‌فرزند پسری نشده نگران است. موبد که پیش‌بینی چنین روزی را کرده بود پرده از راز پنهان برمی‌دارد و شاه را از وجود فرزندش شاپور، آگاه می‌کند. شاه با شنیدن این خبر بسیار شگفت زده می‌شود، گنجی بی‌شمار به موبد می‌بخشد و فرمان می‌دهد نام وی را بر سکه‌ها نقش کنند. همچنین نگین پادشاهی خود را به وی می‌سپارد. این کار تنها یک‌بار در شاهنامه رخ داده و جز نام گران‌خوار نام هیچ موبدی بر سکه‌های رایج ایران باستان نقش نبسته است.

وزان پس دگر کرد میخ و درم همان میخ دینار و هربیش و کم

به یک روی بد نام شاه اردشیر به روی دگر نام فرخ وزیر (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۵۰۱)

گران‌خوار از معدود کسانی است که با وجود نافرمانی از دستور شاه نه تنها مورد خشم و غضب شاه واقع نمی‌شود بلکه تحسین و قدردانی شاه را هم برمی‌انگیزد. این داستان نمونه‌ای از قدرت و نفوذ موبدان در به سلطنت‌رساندن پادشاهان را نشان می‌دهد. در واقع گران‌خوار با آینده‌نگری که داشته و مسئولیتی که در قبال حکومت ایران احساس

می‌کرده از دستور شاه اطاعت نمی‌کند و خدمت بزرگی به حکومت ایران می‌کند.

4-3-5- سرکشی موبدان دربار خسرو پرویز

نافرمانی موبدان دربار خسرو پرویز از او، اعتراضی است که نسبت به ترمذ خسرو از آیین شاهی، صورت می‌گیرد. در داستان خسرو پرویز، شیرین دختری است از طبقه پست، که پادشاه به او دل می‌بندد و با او ازدواج می‌کند. از آن‌جا که شیرین مناسب خاندان شاهی شمرده نمی‌شود، بزرگان و موبدان دربار، با این ازدواج مخالفت می‌کنند

همه شهر زان کار غمگین شدند پر اندیشه و درد و نفرین شدند

نرفتند نزدیک خسرو سه روز چهارم چو بفروخت گیتی فروز

بدیشان چنین گفت کاین روز چند ندیدم شما را شدم مستمند

همی‌گفت و پاسخ نداد ایچ ز گفتن زبان‌ها ببستند بس (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۸۰۰)

و با وجود این که خسرو پرویز بارها آنان را به دربار دعوت می‌کند، آنان به دربار نمی‌آیند و این‌گونه مخالفت خود را ابراز می‌کنند. این‌گونه‌ای دیگر از سرکشی است که در داستان ازدواج خسرو پرویز با شیرین نمود می‌یابد.

هم شاه و هم بزرگان و موبدان می‌دانند که قدرت پادشاهی بدون حضور بزرگان دربار از بین خواهد رفت. بنابراین، همین موضوع آنان را در تصمیمات شاه دخیل می‌کند. بزرگان و موبدان می‌توانند، حتی به تصمیماتی که شاه درباره‌ی خصوصی‌ترین مسائل زندگی خویش می‌گیرد، اعتراض کنند و مخالفت و سرکشی خود را ابراز نمایند، اما این امر خود نیز چارچوب خاصی دارد. اگر پادشاه بداند که از قوانین جاری در مورد پادشاهی و قدرت تخطی کرده است یا باید دیگران را مجاب کند یا این که از آن‌چه انجام داده و می‌دهد، هر چند خوشایند اوست، دست‌بکشد؛ زیرا اگر چنین نکند، فره‌ی شاهی را از دست خواهد داد و این امر به معنای از دست رفتن پادشاهی است.

۴-۵- بررسی انگیزه و فرجام سرکشی وزیران و موبدان در شاهنامه

همان‌طور که در این داستانها می‌بینیم، سرکشی در میان وزیران و موبدان هم جنبه مثبت دارد و هم منفی. بزرگمهر وزیر، به خاطر اعتراض به بیدادگری شاه است که از فرمان او ترمذ کرده و حتی به قیمت از دست دادن بینایی خود از شاه پوزش نمی‌طلبد. در مقابل ماهیار و جانوشیار به خاطر خوش‌خدمتی و طمع رسیدن به قدرت، با کشتن شاه، سرکشی خود را به اوج می‌رسانند. البته با توجه به که هر دو وزیر دارا علاوه بر منصب وزارت مقام موبدی هم داشته‌اند رسیدن به پادشاهی تا حدودی برایشان پشتوانه‌ی اجرایی داشته است. شاید اگر تنها در منصب وزارت بودند به جای «شاه‌کشی» به «شاه‌پرستی» می‌پرداختند و تا آخر عمر وفادار باقی می‌ماندند. نافرمانی گران‌خوار موبد از

فرمان اردشیر و نکشتن شهبانو به خاطر مصلحت شاه و مملکت صورت می‌گیرد. دلیل مخالفت موبدان با خسرو پرویز، سرپیچی شاه از آیین و رسوم شاهنشاهی است. یکی مرسوم نبودن ازدواج شاه با معشوقه سابق خود و دیگری، «بی‌هنر» بودن شیرین و آلوده شدن «تخمه مهتری» چون خسرو است.

کنون تخمه مهتر آلوده شد بزرگی ازین تخمه پالوده شد

پدر پاک و مادر بود بی‌هنر چنان دان که پاکی نیاید ببر (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱۸۰۰)

اما اصرار موبدان به پیروی از سنن، در واقع به خاطر حفظ جایگاه اجتماعی خود است؛ چرا که موبدان به عنوان ممتازترین طبقه جامعه همواره سعی در حفظ این جایگاه داشتند و بدیهی است که سخت طرفدار نظام طبقاتی جامعه بودند و در صورت به هم خوردن این نظام طبقاتی اولین خطر متوجه جایگاه و مقام آنان می‌شد. بنابراین سرکشی آنان در مقابل شاه همواره در جهت حفظ قدرت یا افزایش قدرت خود بوده است.

در شاهنامه، سرکشی دیگر موبدان و وزیران، با این تفصیل بیان نشده است. اما به انگیزه‌ها و فرجام این سرکشی‌ها مختصراً اشاره شده است. با بررسی آنها- طبق جدول پیوست- متوجه می‌شویم دلیل سرکشی موبدان بیشتر به جهت حفظ منافع خودشان بوده است، در حالی که وزیران بیشتر به خاطر منافع کشور نافرمانی کرده‌اند. البته در هر دو گروه استثنائاتی هم به چشم می‌خورد که بدیهی است از آنها چشم پوشیده‌ایم.

۵-۵- داده کاوی و تخمین عددی سرکشی وزیران و موبدان

اگر به شاهنامه به چشم یک جامعه‌ی آماری بزرگ بنگریم که طی سی سال از عمر حکیم فردوسی بزرگ به تحریر درآمده می‌توانیم به سوالات مطرح شده در این پژوهش پاسخ آماری مناسبی دهیم. بدین منظور با بهره‌گیری از داده‌کاوی و تکنیک‌های مربوطه، به این سوالات محوری پاسخ می‌دهیم.

۵-۵-۱- داده کاوی

در یک تعریف غیررسمی داده‌کاوی فرآیندی است خودکار برای استخراج الگوهای که دانش را بازنمایی می‌کنند، که این دانش به صورت ضمنی در پایگاه داده‌های عظیم، انباره داده (Data warehouses) و دیگر مخازن بزرگ اطلاعات، ذخیره شده است. داده‌کاوی بطور همزمان از چندین رشته علمی بهره می‌برد نظیر: تکنولوژی پایگاه داده، هوش مصنوعی، یادگیری ماشین، شبکه‌های عصبی، آمار، شناسایی الگو، سیستم‌های مبتنی بر دانش (Knowledge-based system)، حصول دانش (Knowledge-acquisition)، بازیابی اطلاعات (Information retrieval)، محاسبات سرعت بالا (High-performance computing) و بازنمایی بصری

داده (Data visualization).

داده‌کاوی در اواخر دهه ۱۹۸۰ پدیدار شد، در دهه ۱۹۹۰ گام‌های بلندی در این شاخه از علم برداشته شده و انتظار می‌رود در این قرن به رشد و پیشرفت خود ادامه دهد. واژه‌های «داده‌کاوی» و «کشف دانش در پایگاه داده» (Knowledge Discovery in Database) اغلب به صورت مترادف یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند. ابزارهای داده‌کاوی، داده‌ها را آنالیز می‌کنند و الگوهای داده‌ای را کشف می‌کنند که می‌توان از آن در کاربردهایی نظیر: تعیین استراتژی برای کسب و کار، پایگاه دانش (Knowledge base) و تحقیقات علمی و ... استفاده کرد. شکاف موجود بین داده‌ها و اطلاعات، سبب ایجاد نیاز برای ابزارهای داده‌کاوی شده است تا داده‌های بی‌ارزش را به دانشی ارزشمند تبدیل کنیم. یکی از مهمترین این ابزارها خوشه‌بندی است. خوشه‌بندی (Clustering) عبارت است از گروه‌بندی مجموعه‌ای از اعضاء، رکوردها یا اشیاء به نحوی که اعضای موجود در یک خوشه بیشترین شباهت را به یکدیگر و کمترین شباهت را به اعضای خوشه‌های دیگر داشته باشند. (ر.ک. غضنفری و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۴)

در این مقاله از داده‌کاوی و مشخصاً از تکنیک خوشه‌بندی ساده Kmeans برای کشف الگوهای حاکم بر فضای عصیانگری شخصیت وزرا و موبدان شاهنامه بهره‌گرفته‌ایم. معیارهای مورد بررسی به لحاظ شباهت و تفاوت عبارتند از: مقام و منصب شخصیت موردنظر (وزیر یا موبد)، سرکشی یا اطاعت، و عاقبت و نوع مرگ شخصیت که تا چه حد از سرکشی وی تاثیر می‌پذیرد.

۵-۵-۲- خوشه بندی وزرا و موبدان با استفاده از نرم افزار وکا

هدف این بخش پیاده‌سازی عملیاتی تخمین عددی عامل عصیان و سرکشی وزرا و موبدان شاهنامه است که به سوالات مطرح شده در این پژوهش پاسخ می‌دهد.

بدین منظور ابتدا به استخراج شخصیت‌های وزیر و موبد که در شاهنامه نام‌برده شد پرداختیم و در قالب جدولی که به پیوست ارائه شده است^۱ جامعه‌ی آماری تهیه نمودیم. سپس این جامعه‌ی آماری و ویژگی‌هایش را به فرمت فایل اکسل ورد ۲۰۱۳ درآوردیم تا بتوانیم از نسخه‌ی CSV آن جهت خوشه‌بندی در نرم‌افزار وکا استفاده کنیم. شکل (۱) بخشی از فایل اکسل و نسخه‌ی CSV آن را نمایش می‌دهد.

```

Book1 - Notepad
File Edit Format
post, sin, end
priest, no, good
priest, no, good
priest, no, good
priest, no, good
priest, no, good
priest, no, good
priest, no, good
priest, no, bad
priest, no, good
priest, no, good
queen, no, good
priest, no, good
queen, no, good
queen, no, bad
queen, yes, bad
priest, no, good
queen, no, good
queen, no, bad
priest, no, good
queen, no, good
queen, yes, bad
priest, no, good
priest, no, good
priest, no, good
queen, no, good
priest, yes, good
priest, no, bad
queen, no, good
queen, no, good
queen, no, good
queen, no, good
priest, no, bad
queen, no, good
queen, yes, bad
queen, no, bad
priest, yes, good
priest, yes, good

```

	A	B	C
1	post	sin	end
2	priest	no	good
3	priest	no	good
4	priest	no	good
5	priest	no	good
6	priest	no	good
7	priest	no	good
8	priest	no	good
9	priest	no	bad
10	priest	no	good
11	priest	no	good
12	queen	no	good
13	priest	no	good
14	queen	no	good
15	queen	no	bad
16	queen	yes	bad
17	priest	no	good
18	queen	no	good
19	queen	no	bad
20	priest	no	good
21	queen	no	good
22	queen	yes	bad
23	priest	no	good

شکل (ب) CSV

شکل (الف) فایل اکسل

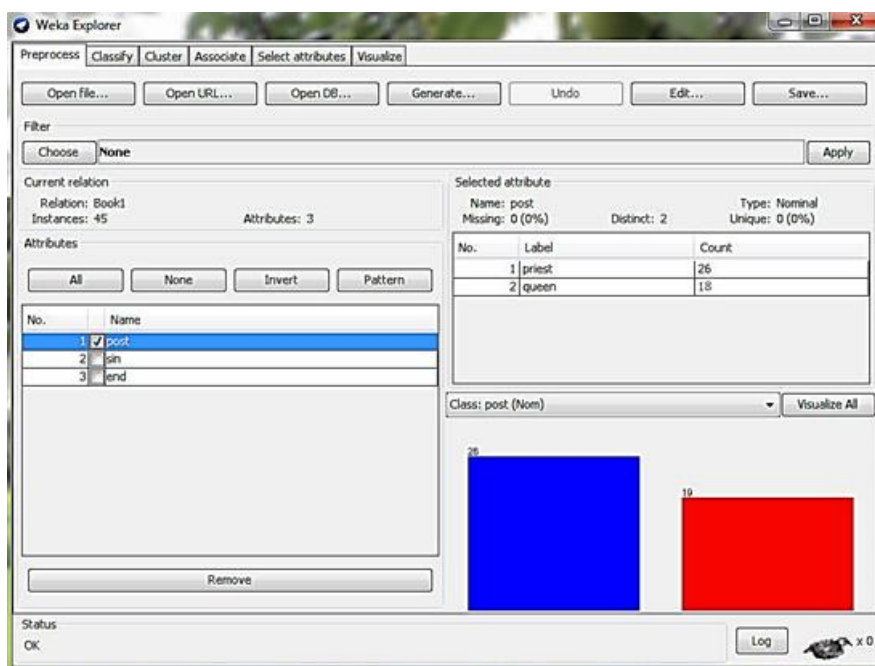
شکل (۱): فایل اکسل اطلاعات آماری و نسخه ی CSV آن

نسخه ی CSV فایل را در نرم افزار وکا (Weka) بارگزاری می کنیم تا با انتخاب روش خوشه بندی به استخراج نتایج و کشف الگوها بپردازیم.

نرم افزار وکا^۲ در دانشگاه Waikato واقع در نیوزلند توسعه یافته است و اسم آن از عبارت "Waikato Environment for Knowledge Analysis" استخراج گشته است.

این سیستم به زبان جاوا نوشته شده و براساس لیسانس عمومی و فراگیر [۷] GNU انتشار یافته است. Weka تقریباً روی هر پلت فرمی اجرا می شود و نیز تحت سیستم عامل های لینوکس، ویندوز، و مکینتاش آزمایش شده است.

شکل (۲) تصویری از محیط اجرایی وکا را نشان می‌دهد که فایل CSV در آن بارگزاری شده است.



شکل (۲): تصویری از محیط اجرایی وکا

همان‌گونه که در شکل (۲) مشاهده می‌کنید، جامعه‌ی آماری متشکل از ۴۴ تن شامل ۲۶ موبد و ۱۸ وزیر است.^۳ که هریک به لحاظ ویژگی‌های قید شده در جدول پیوست، مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه عملیات خوشه‌بندی روی آن اعمال می‌شود. شکل (۳) نتایج حاصل از خوشه‌بندی را نمایش می‌دهد. معیار انتخاب تعداد خوشه، ترکیب حالات ممکن از سرکشی و فرجام اشخاص بوده است. بدین ترتیب که:

- ۱- سرکش- فرجام بد
- ۲- سرکش- فرجام خوب
- ۳- مطیع- فرجام بد
- ۴- مطیع- فرجام خوب

با در نظر گرفتن ترکیب حالات فوق، تعداد چهار خوشه جهت انجام عملیات انتخاب شده است.

```

kMeans
-----

Number of iterations: 2
Within cluster sum of squared errors: 8.0
Missing values globally replaced with mean/mode

Cluster centroids:

Attribute      Full Data      Cluster#
                (44)          0           1           2           3
                (10)         (12)        (16)        (6)
=====
post           priest         queen      queen      priest     priest
sin            no            no         no         no         yes
end            good          bad        good       good       good

Time taken to build model (full training data) : 0.02 seconds

--- Model and evaluation on training set ---

Clustered Instances

0      10 ( 24%)
1      12 ( 27%)
2      16 ( 38%)
3       6 ( 11%)

```

شکل (۳): نتایج حاصل از خوشه بندی

با توجه به شکل (۳) الگوهای زیر را می توان استخراج نمود:^۴

- ۱- خوشه شماره صفر: تعداد ۱۰ مورد، معادل 22.72% کل جامعه ی آماری، در منصب وزارت مشابهت دارند که سرکشی نکرده اند، اما فرجام خوشی هم در انتظارشان نبوده است.
- ۲- خوشه شماره یک: تعداد ۱۲ مورد، معادل 27.27% کل جامعه ی آماری، در منصب وزارت مشابهت دارند که سرکشی نکرده اند و زندگیشان با فرجامی خوش خاتمه یافته است.
- ۳- خوشه شماره دو: تعداد ۱۶ مورد، معادل 36.36% کل جامعه ی آماری در منصب موبدی مشابهت دارند که سرکشی نکرده و خوش فرجام بوده اند.
- ۴- خوشه شماره سه: تعداد ۶ مورد، معادل 13.65% کل جامعه ی آماری در منصب موبدی مشابهت دارند که سرکشی کرده ولی خوش فرجام بوده اند و مورد خشم دستگاه حکومتی واقع نشده یا لاقل از آن جان سالم به دربرده اند.

نتایج حاصل در کمال جذابیت، همخوانی بالایی با آمار موجود در جدول پیوست دارد. این بدان معناست که نتایج حاصله قرابت بسیاری با داده‌های واقعی دارد و این امر حاکی از اعتبار آن است. با اندک تدقیق و تفحص در فضای حاکم بر شاهنامه، این نتایج چندان دور از ذهن نیست. نوعی بی‌عدالتی در چیدمان خوشه‌ی صفر و خوشه‌ی سه دیده می‌شود: وزرای مطیع و فرمانبرداری که بی‌هیچ سرکشی مورد خشم شاهان هم‌عصر خود واقع شده‌اند، مانند مهیو، وزیرخردمند انوشیروان که به دستور او بی‌گناه به قتل رسید. هرچند وزرای خائنی مانند جانوسیار و ماهیار که خود را به اسکندر فروخته و خیانت کرده‌اند نیز فرجام بدی را تجربه کرده‌اند که این مجازات کاملاً طبیعی و بدیهی می‌نماید. در مقابل نتایج خوشه‌ی صفر، نتایج خوشه سه را می‌بینیم: موبدان سرکشی که جان سالم به‌دربردند. این نشان از قدرت عجیب بزرگان دینی در دستگاه حکومتی دارد، و سلاطینی که در اوج قدرت به شدت از بزرگان دین تأثیر می‌پذیرند، تا جایی که حتی در مواردی از عصیانگری، عقوبت سختی در انتظار موبدان نیست. به عنوان مثال موبدانی در ماجرای برکناری توطئه‌گران برخاسته و شرایط را برای برکناری هرمز از سلطنت فراهم آوردند. هرچند ممکن است در مواردی بتوان نمونه‌های متناقضی نیز یافت، اما آنچه مسلم است، الگوی بدست آمده با اکثریت قریب به اتفاق موارد در جامعه‌ی آماری مطابقت دارد و این حاکی از اعتبار آن است.

۶- نتیجه

سرکشی و نافرمانی یکی از ویژگی‌های مشترک بسیاری از شخصیت‌های شاهنامه است. اکثر آنان در شرایطی خاص دست به تمرد و نافرمانی زده‌اند. علل و انگیزه این سرکشی‌ها مختلف بوده از این جهت فرجام کار سرکشان نیز با یکدیگر متفاوت است. در این میان سرکشی وزیران و موبدان به عنوان مهمترین ارکان حکومت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در این پژوهش با بررسی آماری سرکشی جامعه وزیران و موبدان در شاهنامه به کمک علم داده‌کاوی و نرم‌افزار وکا به این نتیجه رسیدیم که سرکشی و نافرمانی در میان وزیران نسبت به موبدان بسیار کمتر به چشم می‌خورد به طوری که در خوشه‌بندی افراد متشابه در نافرمانی، به حساب نمی‌آیند. در مقابل میزان اطاعت آنها، خوش فرجامی و بدفرجامی آنان نزدیک به هم است. به بیانی دیگر درصد وزیران مطیعی که خوش فرجام بوده‌اند (22.72%) با وزیران مطیعی که دچار بدفرجامی شده‌اند (27.27%) نزدیک بهم می‌باشد و این نشان‌دهنده عمق استبداد و خودکامگی شاهان است که برای حفظ و بقای سلطنت خود از هیچ‌گونه شقاوتی روی گردان نیستند و حتی در صورت لزوم به وزیرستیزی روی می‌آورند. در جامعه آماری موبدان نسبت سرکشی (36.36%) و اطاعت (13.65%) فاصله زیادی دارد. موبدان سرکش در مقابل شاه کمتر بوده‌اند؛ اما نکته قابل تامل این است که این موبدان نافرمان برعکس وزرای نافرمان، خوش فرجام‌تر بوده‌اند و این موضوع با توجه به خودکامگی پادشاهان و نهایت بی‌رحمی آنان در مقابل رقبیان قدرت خود بسیار حائز اهمیت بوده و نشان‌دهنده اقتدار بیشتر موبدان نسبت به وزیران می‌باشد. همچنین با توجه به دلایل سرکشی جامعه آماری وزیران و موبدان به این نتیجه رسیدیم سرکشی موبدان بیشتر به دلیل حفظ و یا افزایش قدرت در مقابل پادشاه صورت گرفته، اما سرکشی وزیران به طور مساوی هم برای مصالح کشور و هم مصالح خود صورت گرفته است. همچنین در سرکشی‌هایی که جنبه مثبت داشته است موبدان خوش فرجام‌تر از وزیران بوده‌اند. مانند بزرگمهر و گران‌خوار که هر دو به خاطر مصالح کشور نافرمانی کردند. اما گران‌خوار پادشاه شایانی دریافت کرد و برعکس بزرگمهر مغضوب شاه واقع گردید.

بی نوشت:

۱. این جدول براساس فرهنگ نامهای شاهنامه منصور رستگار فسایی تهیه و تنظیم شده است.
۲. (Weka) نام پرندهای با طبیعت جستجوگر است که پرواز نمی کند و فقط در نیوزلند، یافت می شود.
۳. برخی شخصیتها همزمان دو سمت صدارت و موبد را تصدی گری می کردند؛ لذا مشخصاتشان در جدول دوبار قید شده است.
۴. لازم به توضیح است براساس حالتهای ممکن سرکشی وزیران و موبدان جدولی مطابق شکل زیر به دست می آید. اما براساس معیارهای خوشه بندی، تنها خوشه هایی انتخاب می شوند که تعداد بیشتر اعضایشان مشابه هم است.

سمت	صفت	خوش فرجام	بد فرجام
وزیر	سرکش	۱	۴
	مطیع	۷	۶
موبد	سرکش	۶	۲
	مطیع	۱۷	۱

منابع

۱. اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۹۴). *زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دهم.
۲. بشیریه، حسین. (۱۳۸۰). *موانع توسعه سیاسی در ایران*، تهران: گام نو.
۳. بیات، عزیزالله. (۱۳۶۸). *کلیات تاریخ و تمدن ایران پیش از اسلام*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه بهشتی، چاپ سوم.
۴. پورداوود، ابراهیم. (۱۳۸۰). *یسننا*، جلد دوم، تهران: انتشارات اساطیر.
۵. ثروتیان، بهروز. (۱۳۵۰). *بررسی فر در شاهنامه فردوسی*، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
۶. جوادی، غلامرضا. (۱۳۸۰). *مدیریت در ایران باستان*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت و فرهنگ اسلامی.
۷. جوینی، عزیزالله. (۱۳۸۰). *همبستگی دین و دولت (=دین سالاری) در شاهنامه فردوسی*، مجله دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران: تابستان، صص ۴۳-۶۱.
۸. خداپرستی، فرج الله. (۱۳۷۶). *فرهنگ جامع واژگان مترادف و متضاد زبان فارسی*، شیراز: دانشنامه فارس.
۹. دریایی، تورج. (۱۳۸۲). *شاهنشاهی ساسانی*، ترجمه: مرتضی ثاقب فر، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ پنجم.
۱۰. _____ (۱۳۸۳). *تاریخ و فرهنگ ساسانی*، ترجمه: مهرداد قدرت دیزجی، تهران: انتشارات ققنوس.
۱۱. دلپذیر، زهرا. (۱۳۸۹). *خویشکاریهای موبدان در شاهنامه*، دو فصلنامه علمی-پژوهشی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت معلم، شماره ۶۹، پاییز، صص ۵۹-۸۹.
۱۲. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه*، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه.
۱۳. رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۹). *فرهنگ نامهای شاهنامه*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۴. رضاقلی، علی. (1392). *جامعه شناسی خود کامگی (تحلیل جامعه شناختی ضحاک مار دوش)*، تهران: نشر نی.

چاپ بیستم.

۱۵. سرامی، قدمعلی. (۱۳۸۸). *از رنگ گل تا رنج خار*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم.
۱۶. سیف، احمد. (۱۳۷۹). *پیش در آمدی بر استبداد سالاری در ایران*، تهران: نشر چشمه.
۱۷. عمید، حسن. (۱۳۹۴). *فرهنگ عمید*، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ چهل و یکم.
۱۸. غضنفری مهدی، علیزاده، سمیه، تیمورپور، بابک. (۱۳۹۳). *داده‌کاوی و کشف دانش*. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
۱۹. فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). *شاهنامه*، به تصحیح جلال خالقی مطلق، تهران: مرکز دایره‌العارف بزرگ اسلامی، چاپ سوم.
۲۰. _____ (۱۳۸۷). *شاهنامه*، بر پایه چاپ مسکو، تهران: انتشارات هرمس، چاپ چهارم.
۲۱. قدیانی، عباس. (۱۳۸۴). *تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران در دوره ساسانیان*، تهران: انتشارات فرهنگ مکتوب.
۲۲. کاوندی کاتب، ابوالفضل. (۱۳۹۲). *آیین شهریاری و روابط بین الملل در شاهنامه فردوسی*، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۹۳، پاییز، صص ۴۱-۲۶.
۲۳. کریستین سن آرتور، امانوئل. (۱۳۸۸). *ایران در زمان ساسانیان (تاریخ ایران ساسانی تا حمله عرب و وضع دولت و ملت در زمان ساسانیان)*، ترجمه: رشید یاسمی، تهران: انتشارات کوشش.
۲۴. کسرای، محمد سالار. (۱۳۸۹). «فرمانروایی نوامان؛ حکومت و مشروعیت در ایران باستان»، فصلنامه سیاست، شماره ۱۴، تابستان، صص ۲۸۰-۱۸۹.
۲۵. کلمان، هوار. (۱۳۶۳). *ایران و تمدن ایرانی*، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۲۶. گویری، سوزان. (۱۳۷۹). *آناهیتا در اسطوره های ایرانی*، تهران: انتشارات جمال‌الحق، چاپ سوم.
۲۷. معین، محمد. (۱۳۸۶). *فرهنگ معین*، تهران: نشر سرایش، چاپ نهم.
۲۸. منتظری مقدم، حامد. (۱۳۷۸). *وزارت در تاریخ ایران*، کیهان‌اندیشه، شماره ۸۴، خرداد و تیر، صص ۵۴-۳۸.
۲۹. موسوی، سید کاظم و خسروی، اشرف. (۱۳۸۹). *پیوند خرد و اسطوره در شاهنامه*، تهران: شرکت

انتشارات علمی و فرهنگی.

۳۰. میراحمدی، مریم. (۱۳۹۰). *تاریخ تحولات ایران‌شناسی (پژوهشی در تاریخ و فرهنگ ایران در دوران باستان)*،

تهران: انتشارات طه‌وری.

۳۱. نظامی عروضی سمرقندی، احمد بن عمر. (۱۳۸۸). *مجمع النوادر معروف به چهارمقاله*، تصحیح محمد

قزوینی و کوشش محمد معین. تهران: انتشارات زوار.

پیوست: جدول جامعه آماری از وزرا و موبدان در شاهنامه.

(سرکشی و فرجام خوش با + و فرمانبرداری و فرجام بد با - در ستونهای مربوطه نشان داده شده است)

ردیف	نام	سمت	سرکشی	فرجام
۱	آذرباد	موبد	-	+
۲	آذین گشسپ	وزیر	-	+
۳	ایزد گشسپ	وزیر	-	+
۴	آیین گشسپ	موبد	+	+
۵	بابک	موبد	-	+
۶	برآسای	وزیر	-	-
۷	برزمهر	موبد	-	+
۸	برزمهر	وزیر	-	+
۹	بزرگمهر	وزیر	+	-
۱۰	پیران	وزیر	-	-
۱۱	تنسر	موبد	-	+
۱۲	جاماسب	وزیر	-	+
۱۳	جانوشیار	وزیر-موبد	+	-
۱۴	جانوی	موبد	-	+
۱۵	رادوی	موبد	-	+
۱۶	روزبه	موبد	-	+
۱۷	روزبه	وزیر	-	-
۱۸	زردهشت	موبد	-	-
۱۹	زیرک	موبد	-	+
۲۰	شهره	موبد	-	+
۲۱	کرتیر	موبد	-	+
۲۲	کندرو	وزیر	-	-
۲۳	گراز	موبد	+	+
۲۴	گرانخوار	موبد-وزیر	+	+
۲۵	گستههم	موبد	+	+
۲۶	گشسپ	موبد-وزیر	-	+
۲۷	ماه آذر	موبد	-	+
۲۸	ماهو	موبد	+	+
۲۹	ماهیار	وزیر-موبد	+	-
۳۰	مزدک	وزیر	+	-
۳۱	مهبود	وزیر	-	-
۳۲	مهراش	موبد	-	+
۳۳	مهران خراد	موبد	-	+

-	-	وزیرهرمزد که دستور قتلش را شاه صادر کرد.	وزیر	مهرک	۳۴
+	-	وزیرخرمند یزدگرد.	وزیر	مهرنرسی	۳۵
+	-	وزیرهرمز که از گستاخی بهرام چوبینه به اندیشه فرو رفت.	وزیر	موبد	۳۶
+	-	موبد زمان اردشیر.	موبد	موبد آذر مهان	۳۷
+	-	موبد زمان انوشیروان که با مزدک مباحثه کرد.	موبد	هرمزد آفرید	۳۸
+	+	موبد زمان بهرام گور که پنهانی نزد خاقان چین رفت و باج و ساو چین را پذیرفت.	موبد	همای	۳۹
+	-	از موبدان زمان انوشیروان که در مجالس بزرگمهر شرکت می کرد.	موبد	یزدگرد	۴۰

Abstract

One of the common characteristics of shahname's characters is mutiny. Causes of mutiny and ending of rebels are different. Mutiny of priests and ministers is especially important because these groups as power subjects play important roles in the society. According to the historical belief of ancient Iranians that obeying monarchy is piety and disobeying is satanic, mutiny against the king is the matter of contemplation. Using data analysis approach and Voca software, this article statistically investigates the society of priests and ministers and analyses the results. Accordingly, it's found that there are more mutinies in priests and mutinous priests are more successful than ministers. In contrast , statistically ,there are nuances between successful obedient ministers and unsuccessful obedient ministers. This fact indicates that religious leaders had a great might and fighting ministers was common in ancient Iranian monarchs.

Keywords: Shahname, mutiny, ministers, priests, data analysis, Voca software , analyzing statistical society.